

دادرسی عادلانه در رسیدگی به جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلحسجاد فتاحی زفرقندی^۱، مهدی اسماعیلی^۲، حسن حاجی تبار فیروزجانی^۳**چکیده**

زمینه و هدف: قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ که در بخش دهم آن به دادرسی جرایم رایانه‌ای توجه شده است، دارای جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشد، اگر دچار تغییراتی شود و با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی حضور در آن، با استفاده از تجارب حرفه‌ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی متهمان مؤثر باشد.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: قانون آیین دادرسی کیفری جدید با تغییرات شکلی و ماهوی گسترده در قانون آیین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال «اصل تفسیر مضیق به نفع متهم»، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه‌دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرآیند رسیدگی کیفری دارد. در قانون مذکور، ضمن حذف بسیاری از محدودیت‌ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: دادرسی عادلانه، جرایم رایانه‌ای، نیروهای مسلح.

* استناددهی (APA): فتاحی زفرقندی، سجاد؛ اسماعیلی، مهدی؛ حاجی تبار فیروزجانی، حسن. (۱۴۰۰). دادرسی عادلانه در رسیدگی به جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلح. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۴(۵۴)، ۳۶۶-۳۵۱.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_689132.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.
 رایانامه: sajadfatahizafarghandi@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
 رایانامه: esmaeilim560@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. رایانامه: hajitabar@yahoo.com

مقدمه

محاکمه عادلانه، عدالت شکلی در قضاوت است. رعایت این عدالت به منظور نیل به نتیجه‌ای است که همانا انجام قضاوتی عادلانه، منصفانه و بی‌طرفانه است. چنین قضاوتی هنگامی صورت تحقق می‌یابد که به هر یک از طرف‌های دعوا آنچه را سزاوار است اعطا کند، مجرم را محکوم و بی‌گناه را تبرئه کند و به یک معنا بین حقوق اطراف قضیه موازنه برقرار نماید. لیکن برقراری این موازنه ماهوی مستلزم ایجاد نوعی موازنه شکلی در طی فرآیند دادرسی می‌باشد. ابزار و امکانات لازم جهت اثبات ادعا و یا دفع اتهام باید به نحو مطلوب و به طور برابر در اختیار طرف‌های دعوا قرار داده شود و این سیستم در مجموع شرایطی را فراهم آورد که در مبنای تصمیم قاضی جای هیچ شک و تردید معقولی باقی نماند و این خود یکی از حقوق اساسی افراد و جامعه است (زمان‌زاده بهبهانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۲).

عدالت، گوهری است که هر نظام حقوقی از جمله حقوق بشر طالب آن می‌باشد. عدالت والاترین ارزش انسانی و گوهرگران‌بها در تحقق حقوق بشری است و یکی از خواسته‌ها و آرمان‌های حقوق بشری می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۳). تحقق عدالت در فرآیندهای اداره امور اجتماعی، به طور عام و در فرآیندهای قضایی، به طور خاص، نیازمند ملاک‌ها و معیارهای عینی است. عدالت اگرچه باید نخست همچون روحی در جوهره و سرشت مقررات ماهوی دمیده شده باشد (عدالت ماهوی)، لکن تحقق عینی آن در فضای حیات اجتماعی به ویژه در بستر قضا، بیش از آنکه مرهون حقوق ماهوی باشد در گرو آیین و مقررات شکلی است (عدالت شکلی) بر این اساس می‌توان گفت برای تحقق عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر بایستی به دادرسی عادلانه توجه کرد.

مقنن میان جرم عادی و جرم نظامی تفاوت قائل شده است. این تفاوت هم در مورد ماهیت و تعریف جرایم، هم در رابطه با مجازات پیش‌بینی شده برای آنها و هم از لحاظ مرجع و آیین رسیدگی مشاهده می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۲۰۴). غالب جرایمی که به جرایم نظامی مشهورند، نه اینکه مفاهیمی جدا از مفاهیم جرایم عمومی داشته باشند، بلکه صرفاً به این دلیل که نظامیان آن را مرتکب می‌شوند، توقع شدت عمل بیشتر و رسیدگی سریع‌تر از جرایم عادی در آنها می‌رود (نوربها، ۱۳۹۶: ۲۴۲).

بدون شک قوه قضائیه بدون بازوی قوی نظامی و انتظامی و منضبط نمی‌تواند به اهداف خودش دست یابد و به طور مسلم در بین نیروهای مسلح ممکن است افرادی باشند که از موقعیت خود سوء استفاده نموده و یا بر اثر جهل به قانون موجب تضییع حقوق عامه شوند و از طرفی نوع رفتار و جرایم آنان با جرایم عادی و معمولی و عامه مردم متفاوت و متغیر است؛ زیرا بسیاری از آن جرایم در بین مردم عادی وجود خارجی ندارد، از قبیل تعدیات مأمورین دولت به مردم در حین



انجام وظیفه و یا جرائمی مانند خوابیدن سر پست، لغو دستور فرماندهی، اهانت به مافوق یا مادون، تیراندازی بی‌مورد، اتلاف مهمات، ترک پست و امثال آنکه تحت عنوان جرایم خاص نظامی و انتظامی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح از آنها نام برده شده است و برای رسیدگی به آن جرایم در اصل ۱۷۲ قانون اساسی مرجع خاصی تحت عنوان دادستانی و دادگاه‌های نظامی به عنوان بخشی از قوه قضائیه پیش‌بینی شده است (اسماعیلی کریزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۲).

حوزه آیین دادرسی کیفری، بیش از دیگر بخش‌های نظام عدالت کیفری، از فضای مجازی تأثیر پذیرفته است؛ زیرا در سایر حوزه‌ها، به کارگیری اندکی جرح و تعدیل در قوانین موجود، می‌تواند کارساز باشد؛ اما در حوزه آیین دادرسی کیفری، با بسیاری از قواعد مرسوم نمی‌توان چالش‌های به وجود آمده را حل نمود که همین امر، وجود آیین دادرسی کیفری مستقل برای جرایم رایانه‌ای و مخبراتی را امری ضروری می‌نمایاند (نوریان، ۱۳۹۶: ۱۵)، سؤال‌هایی که به ذهن متبادر می‌شود عبارت است از اینکه اصول و معیارهای دادرسی عادلانه کدامند؟ آیا در رسیدگی قضایی به جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلح به این اصول توجه شده است؟ همچنین سؤالی که مطرح می‌شود این است که در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ دادرسی منصفانه مد نظر قرار گرفته است؟ برای پاسخ به سؤالات مطرحه ابتدا بایستی مفهوم دادرسی عادلانه و معیارهای آن تبیین شود.

۱. مفهوم و معیارهای دادرسی عادلانه

دو عبارت «محاكمه عادلانه» و «آیین ملک‌داری و اصول دادگری» به یک معنا گرفته شد و هر یک به جای دیگر به کار رفت. هیچ‌کس بدون محاکمه عادلانه از حیات، آزادی و مالکیت محروم نمی‌شود. محاکمه عادلانه گاه به معنای حمایت‌هایی است که از قواعد شکلی حقوقی ناشی می‌شود و گاه به معنای حمایت‌هایی که از قواعد ماهوی حقوقی نتیجه گرفته می‌شود مثل قواعد مربوط به حقوق و آزادی‌های اساسی (اسدیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳).

«رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت‌دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوای کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت‌دار» (فضائلی، ۱۳۹۴: ۴۷). همچنین در تعریف دادرسی عادلانه و منصفانه گفته شده «فرآیندی است که بر مبنای اصل برائت و حفظ کرامت انسانی پایه‌گذاری شده و رعایت الزامات آن، رفتار کرامت‌مدار و احکامی مبتنی بر عدالت و انصاف را نوید می‌دهد» (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۶: ۲۳).

اصول و معیارهای دادرسی عادلانه که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر آمده، ناظر به شرایط و مقتضیات دادگاه‌ها و دادرسی‌های ملی بوده است. از نگاهی دیگر، اجزای ذاتی دادرسی عادلانه سه دسته‌اند:

- ۱) تضمین‌های ساختاری و نهادی مانند استقلال و بی‌طرفی؛
- ۲) اصول و قواعدی که باید بر هر مرحله از دادرسی حاکم شود و کل فرایند دادرسی را به گونه‌ای هدایت کند که برآیندی منصفانه داشته باشد؛
- ۳) عناصر و اجزای محاکمه عادلانه که در معنایی محدود، حقوق قانونی تلقی می‌شود و شامل آزاد بودن از چیزی مثل (مصونیت، حق بر عدم بازداشت خودسرانه با برخوردار) حق داشتن وکیل است (مرادی، ۱۳۹۷: ۴۰).

۲. مفهوم، ضرورت و ساختار نیروهای مسلح

۲-۱. مفهوم نیروهای مسلح

نیروی مسلح به معنای لشکر است، ولی در مفهوم اصطلاحی یعنی قوای منظم یک کشور که به منظور حفظ امنیت، استقلال و صیانت و تمامیت کشور و اجرای قوانین و نظم و صلح عمومی نگهداری می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و بسیج، وظیفه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور را از طرف نظامی و غیرنظامی در مرزها و داخل و تحت شرایطی خارج از مرزها، بر عهده دارند. بر این اساس این نهادهای دفاعی کشور با سرمایه عظیم انسانی و تجهیزاتی خود می‌توانند در تشکیل و صیانت از حدود دولت مبتنی بر حکومت اسلامی ایران و تأمین امنیت نقش به سزایی داشته باشند (پیراسته، ۱۳۹۶: ۲).

«نیروی مسلح به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته اطلاق می‌شود» (آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران).

۲-۲. ضرورت وجود نیروهای مسلح

نیروی مسلح به معنای لشکر است، ولی در مفهوم اصطلاحی یعنی قوای منظم یک کشور که به منظور حفظ امنیت، استقلال و صیانت و تمامیت کشور و اجرای قوانین و نظم و صلح عمومی نگهداری می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و بسیج، وظیفه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور را از طرف نظامی و غیرنظامی در مرزها و داخل و تحت شرایطی خارج از مرزها، بر عهده دارند. بر این اساس این نهادهای دفاعی کشور با

سرمایه عظیم انسانی و تجهیزاتی خود می‌توانند در تشکیل و صیانت از حدود دولت مبتنی بر حکومت اسلامی ایران نقش به‌سزایی داشته باشند. دلیل این مدعا را می‌توان به‌خوبی در بیانات مقام معظم رهبری در مورد تبیین ویژگی‌های دولت اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده نمود. به راستی که یکی از موضوعات مهم هر کشور و ملت، مسئله قدرت و اقتدار ملی است و مقتدر نمودن قوای نظامی به منظور تأمین اقتدار ملی، همواره مورد توجه ویژه مسئولان و فرماندهان بوده است (پیراسته، ۱۳۹۶: ۱۶).

هر حکومت و دولتی برای حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود نیاز به نیروی مسلح قوی، مقتدر و سازمان‌یافته دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از استقرار، برای تداوم خود و دفع تهدیدات داخلی و خارجی، نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آنها، ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌باشند. مقابله با مهاجمان خارجی یا کسانی که در داخل کشور با نقض قوانین، امنیت اجتماعی را مختل می‌کنند، جز با توان نظامی حل نمی‌شود. از این‌رو کشورهای مختلف بدین منظور تشکیل و سازمان‌دهی نیروهای مسلح خود را در راستای دفع خطرهای خارجی و داخلی طراحی می‌کنند و با تشکیل سازمان‌ها و نهادهای نظامی خاص، افراد کارآمد و توانا را به استخدام درمی‌آورند (نظرپور، ۱۳۸۶: ۳۳).

در نظام جمهوری اسلامی ایران، موضوع نیروهای مسلح از نظر اعتقادی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا مبنای حکومت ایران، اعتقادات اسلامی می‌باشد و یکی از تفاوت‌های اساسی حکومت اسلامی با سایر نظام‌های سیاسی، امور نظامی آن است. دیدگاه اسلام نسبت به دفاع و جهاد، زیربنای ساختار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بر اساس عقاید اسلام، امور نظامی منحصر به ارگان و یا افراد خاصی نیست، بلکه عموم مردم وظیفه دارند برای حفظ و حراست از اسلام و مرزهای حکومت اسلامی بکوشند. در حالی که در غالب کشورهای این امر به عنوان شغل برای گروهی از مردم یا با دیدی آرمانی‌تر، به عنوان یک امر ملی و با انگیزه میهن‌پرستی و وطن‌دوستی تلقی می‌شود، در اسلام از منظری بالاتر و والاتر به عنوان یک وظیفه الهی محسوب می‌گردد (نظرپور، ۱۳۸۶: ۳۳).

امروزه، اندیشمندان و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، جملگی بر این نظرند که برخورداری هر نظام و حاکمیتی از آمادگی نظامی که در سایه وجود یک سازمان نظامی توانمند حاصل می‌آید، از عناصر کلیدی «قدرت ملی» آن کشور و نظام است از این‌رو، بیشتر دولت‌ها، وجود نیروهای مسلح را پیش‌نیازی برای بقای ملی خود قلمداد می‌کنند و شواهد نیز حاکی از آن است که هنوز هیچ جایگزینی برای رفع نگرانی‌های ناشی از چگونگی مدیریت حکومت بدون وجود نیروهای نظامی یافت نشده است. نظام اسلامی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه چون اهداف و

آرمان‌هایش با دشمنان داخلی و خارجی متعددی روبه‌رو است، نیازمندی‌اش به نیروهای مسلح قوی و توانمند بیش از سایر نظام‌ها است و اینک شواهدی را بر این مدعا از منظر منابع دینی و قانونی به‌طور اجمال باز می‌نگریم (فرازی، ۱۳۸۴: ۸).

۲-۳. ساختار

۲-۳-۱. ستاد فرماندهی کل قوا

در تعریف ستاد فرماندهی کل قوا به عنوان بالاترین مرجع نظامی نیروهای مسلح در ایران که وظیفه سیاست‌گذاری و فرماندهی همه نیروهای مسلح ایران از جمله ارتش، سپاه، نیروی انتظامی را بر عهده دارد، آمده است «به مجموعه سازمان ستاد فرماندهی کل قوا و سازمان‌ها و دفاتر پیوسته و وابسته و قسمت‌هایی که بنا بر امر فرماندهی معظم کل قوا، پشتیبانی آنها به ستاد فرماندهی کل قوا محول شده است، اطلاق می‌گردد» (قسمت الف ماده ۹ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح).

۲-۳-۲. ارتش جمهوری اسلامی ایران

به مجموعه ستاد مشترک، نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و سازمان‌های وابسته به آنها ارتش جمهوری اطلاق می‌گردد (همان منبع، قسمت ب ماده ۱۹)؛ که بنا بر اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی، مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

۲-۳-۳. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، عده‌ای از نیروهای انقلابی برای دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و تداوم آن به صورت خودجوش و مردمی جمع شدند و به مقابله با ضد انقلاب و پس‌مانده‌های رژیم شاه برخاستند. در همین زمان چند نفر از این افراد در قم به ملاقات حضرت امام خمینی (ره) رفتند. امام خمینی (ره) در این دیدار دستور تشکیل یک نیروی مسلح مکتبی مستقل از دولت موقت را صادر کردند. این دستور عملاً فرمان تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. در پی این فرمان، گروهی از بنیان‌گذاران سپاه، اساسنامه‌ای را در ۹ ماده و ۹ تبصره تهیه کرده، به تصویب شورای انقلاب رساندند و سپس احکام شورای فرماندهی سپاه از سوی شورای انقلاب صادر شد و در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸، این نهاد انقلابی و مردمی با انتشار بیانیه‌ای به‌طور رسمی اعلام موجودیت کرد (نظرپور، ۱۳۸۶: ۴۵).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مجموعه ستاد کل، حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، سازمان حفاظت اطلاعات سپاه، نیروی زمینی، هوایی، دریایی و مقاومت بسیج و قدس و

سازمان‌های وابسته به آنها اطلاق می‌گردد (ماده ۳ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی).

۲-۳-۴. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دو نیروی شهربانی و ژاندارمری مسئول حفظ امنیت و نظم در شهرها، روستاها و مرزها بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا بر اقتضای زمان نهادی برخاسته از مردم در محلات مختلف شهرها تحت عنوان «کمیته انقلاب اسلامی» شکل گرفت. از این زمان تا سال ۱۳۶۹، این سه نیرو مسئول برقراری نظم و امنیت مردم بودند، اما به دلیل مشکلاتی که به علت تعدد نیروهای امنیتی بین این سه نیرو (شهربانی، ژاندارمری و کمیته) به وجود آمد، تصمیم گرفته شد که این نیروها با هم ادغام شوند و یک نیروی جدید تشکیل شود. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۹، قانون نیروی انتظامی از تصویب نهایی مجلس گذشت و وزارت کشور را موظف کرد که ظرف مدت یک سال نیروهای انتظامی موجود را ادغام کند و سازمانی تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. علاوه بر این، تمام نیروهای مسلحی که در جهت امور انتظامی در ارتباط با قوه قضائیه، وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات مختلف فعالیت می‌کردند، در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ادغام شدند و از طریق وزارت کشور و نیروی انتظامی تحت امر این نیرو قرار گرفتند (نظرپور، ۱۳۸۶: ۴۵).

هدف از تشکیل نیروی انتظامی، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (ماده ۱ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران).

۲-۳-۵. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به مجموعه وزارت دفاع و کلیه مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های تابع آن اطلاق می‌گردد (قسمت ه ماده ۱۹ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح). این وزارتخانه تابع قوانین و مقررات نیروهای مسلح می‌باشد و بخشی از دولت است که مسئولیت پشتیبانی نیروهای مسلح را در قالب قوانین و تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا بر عهده دارد (ماده ۱۸ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح).

۳. مفهوم جرایم رایانه‌ای (سایبری)

واژه سایبر در فارسی به معجاز و مجازی ترجمه شده است؛ اما این ترجمه گویای دقیق این واژه نیست؛ زیرا محیط سایبر محیطی است حقیقی و واقعی نه دروغین و مجازی و فقط به شکل مادی و

ملموس احساس شدنی نیست و این نکته کافی نیست که به آن مجاز و مجازی اطلاق شود (زندى، ۱۳۸۹: ۳۸).

واژه سایبر در اصطلاح به همه محیط‌هایی گفته می‌شود که اساس فعالیت آنها بر مبنای پردازش و طبق سامانه صفر و یک کار می‌کنند. سایبر در زبان عموم مردم به غلط اینترنت نامیده می‌شود در حالی که اینترنت یک شبکه رایانه‌ای بین‌المللی بزرگ است که نظیر آن چندین شبکه بزرگ مثل یوزنت، تله نت و... وجود دارد که تعداد این شبکه‌های بزرگ بالغ بر ۱۹ شبکه است (زندى، ۱۳۸۹: ۴۲). البته پیدایش فضای سایبر مرهون این شبکه بزرگ جهانی است و بخش قابل توجه و حداقل لایه آشکار و ملموس آن را تشکیل می‌دهد (جلالی فراهانی، ۱۳۹۵: ۴).

«فضای سایبر» با «فضای مجازی» متفاوت است؛ گرچه در ادبیات سیاست‌گذاری، بعضاً این دو واژه، یکی انگاشته شده و فضای مجازی در معنا و به جای فضای سایبر به کار رفته است؛ ولی فضای سایبر با وجود اشتراک زیادی با فضای مجازی، دقیقاً معادل آن نیست؛ چرا که فضای سایبر، فضای مجازی و غیرواقعی نیست، بلکه محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و توسط رایانه‌های متصل به هم به صورت شبکه‌ای، نظیر شبکه اینترنت، در آن روی می‌دهد (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۲۱). بنابراین واژه جرم سایبری، صحیح‌تر می‌نمایند؛ زیرا که جرایم رایانه‌ای و مخابراتی را شامل می‌شود. همچنین اینکه، گسترش واژه سایبر، آن را به یک واژه بین‌المللی تبدیل نموده که یافتن معادلی برای آن، ممکن است دایره شمول و مفهوم آن را محدود نماید. لذا همان‌گونه که واژه تلفن در تمام دنیا به صورت یکسان و در یک معنا به کار می‌رود، بهتر آن است واژه سایبر نیز به عنوان یک لفظ مشترک بین‌المللی، مورد استفاده قرار گیرد (نوریان، ۱۳۹۶: ۲۰)؛ به عبارت دیگر جرایم رایانه‌ای حوزه بسیار گسترده‌ای دارند و به فعالیتی گفته می‌شود که در آن کامپیوترها یا شبکه‌های ارتباطی ابزار، مقصد یا محل اجرای یک فعالیت مجرمانه و غیرقانونی می‌باشند، تسهیل و تسریع در پیدا کردن کیفر برای جرایم جدید، پیدا کردن سابقه جرم، ردپای جرایم مرتبط و زنجیره‌ی بازداشت، آموزش از اهداف اصلی هستی‌شناسی جرایم رایانه‌ای می‌باشد (عبدی پور کشاورز، انصاری و ششگل، ۱۳۹۹: ۱۴۹).

یکی از چالش‌های جدید حقوق کیفری مقابله با جرایم سایبری است. به بیان دیگر با توجه به گستردگی و شبکه‌ای بودن فضای سایبر، باید اذعان داشت مقابله با جرایم سایبری به جهت گستردگی خسارت و کثرت بزه‌دیدگان، فرامرزی بودن و مشکلات کشف و تعقیب مجرم و بسیاری ویژگی‌های دیگر تنها با یک «راهبرد جنایی مشارکتی بین‌المللی» می‌تواند به گونه‌ای کارآمد و مؤثر صورت گیرد. آنچه این نظر را تقویت می‌کند این است که جرایم سایبری در غیاب جرایم سنتی اتفاق نمی‌افتند و در واقع جایگزین جرایم سنتی نمی‌شوند، بلکه در کنار آنها

قرار می‌گیرند. نتیجه این است که منابع، نیروها و امکانات موجود دستگاه عدالت کیفری دچار فرسایش و کمبود می‌شوند و امکان مواجهه با همه این جرایم از آنها سلب می‌شود (دیلمی معزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۹-۹۸). از جمله تفاوت‌های جرایم مربوط به فضای واقعی و جرایم سایبری می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) جرایم سایبری جزء جرایم ناشی از فناوری مدرن است. از این رو دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از جرایم کلاسیک و سنتی جدا می‌کند. در این بخش برخی از این تفاوت‌ها را برمی‌شمایم (زندی، ۱۳۸۹: ۳۸).

۲) تعداد بزه‌دیده در جرایم کلاسیک، تعدادی خاص و محدود هستند، در حالی که امروز در فضای سایبر، تعداد زیادی بزه‌دیده می‌شوند. به عنوان مثال هنگام نوشتن انتشار یک ویروس، میلیون‌ها سایت و در پی آن میلیون‌ها کاربر، بزه‌دیده می‌شوند و یا با راه‌اندازی یک وب‌سایت یا ارسال پیام‌های تبلیغاتی فریب‌کارانه به آدرس‌های الکترونیکی کاربران، میلیون‌ها مخاطب فریب می‌خورند.

ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای در خصوص مصادیق جرایم رایانه‌ای مقرر می‌دارد: «قوة قضایه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد...». کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه «موضوع ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای» فهرستی در ۵ فصل مصادیق جرایم رایانه‌ای را منتشر کرده است.

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر بررسی جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلح می‌باشد، اولین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود؛ آیا امکان ارتکاب همه جرایم رایانه‌ای که توسط کارگروه مصادیق محتوای مجرمانه احصاء شده است از جانب نیروهای مسلح به مناسبت شغل آنها وجود دارد؟ به دیگر بیان آیا نیروهای مسلح در مقام انجام وظیفه و به مناسبت شغل خود می‌توانند عملی انجام بدهند که جرم تلقی شده و مصداقی از جرایم رایانه‌ای تصریح شده توسط کارگروه مذکور باشد؟

مسلماً پاسخ به این سؤال منفی است. امکان ارتکاب همه مصادیق جرایم رایانه‌ای از سوی نیروهای مسلح به مناسبت شغل آنها وجود ندارد. امکان تحقق برخی از مصادیق جرایم رایانه‌ای توسط نیروهای مسلح به مناسبت شغل آنها وجود دارد. امکان جرایمی نظیر جرم جاسوسی سایبری از دسته دوم هستند؛ یعنی از جمله جرایم ارتكابی هستند که امکان ارتكاب آنها توسط نیروهای مسلح به مناسبت شغلشان وجود دارد. مسئله دیگر قابل تأمل و توجه این است که با توجه به اینکه علاوه بر قانون جرایم رایانه‌ای، قانون دیگری نیز در خصوص جرایم سایبری نیروهای مسلح تحت عنوان قانون مجازات نیروهای مسلح به تصویب رسیده است، این سؤال مطرح می‌شود که در

صورت ارتکاب جرم سایبری از جانب نیروهای مسلح کدام قانون بر جرم محقق شده حاکم خواهد بود؟

۴. مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلح

در خصوص آیین رسیدگی به جرایم سایبری نیروهای مسلح تاکنون قوانین مختلف و پراکنده‌ای مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند. از جمله الف. ق آذک مصوب ۱۲۹۰؛ ب. قانون اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری مصوب ۱۳۵۸؛ پ. قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۹؛ ت. قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ می‌باشد.

در ایران از سال ۱۳۷۲ که به طور رسمی به اینترنت جهانی پیوست، نیاز به برقراری امنیت در این زمینه سبب شد که قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ برای تعیین مصادیق استفاده مجرمانه از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. به تبع تصویب آن، قانون‌گذار، قانون دادرسی الکترونیکی و آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای را برای اجرای آن قانون تحت بخش ۹ و ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رساند.

مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ کدامند؟

۴-۱. اصل سرعت

اصل سرعت از جمله مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی است. اهمیت زمان در دادرسی امروزه تا حدی است که آن را یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی می‌دانند. هنگامی که به ارزیابی کیفیت دادرسی پرداخته می‌شود، خود به خود ارزش اقتصادی زمان محل توجه قرار می‌گیرد. زمان در اقتصاد به بازدهی و نابازدهی اعمال انجام شده توجه دارد و از کارآیی و ناکارآیی آن پرده برمی‌دارد. در این معنا زمان معیاری است برای قضاوت نسبت به اثربخش بودن یا نبودن اعمال و اقدامات دادرسی و رأی حاصل از آن، در حقیقت این برداشت بیشتر ناظر به ارزش و قیمت خود زمان مصروف است تا نتیجه دادرسی (محسنی، ۱۳۸۹: ۲۷۳). سرعت دادرسی نه تنها در رضایت خاطر اصحاب دعوی مؤثر است، بلکه موجب می‌شود از لحاظ سیاسی، مردم به قوای حاکمه اعتماد بیشتری کنند و با طیب نفس رأی آنها را بپذیرند.

در قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ به اصل مذکور به صورت واضح و دقیق اشاره شده است سرعت در رسیدگی باعث بهبود روند رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح می‌شود. تسریع در رسیدگی به جرایم نظامیان باعث می‌شود تا نظامیان در



انجام وظایف محوله کوتاهی و سستی نشان ندهند؛ زیرا تأخیر در رسیدگی موجب بروز بی‌نظمی و ایجاد هرج و مرج می‌گردد و ایجاد هرج و مرج در نیروهای مسلح موجب به مخاطره افتادن امنیت داخلی و خارجی کشور می‌گردد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت و حساسیت نیروهای مسلح و لزوم حفظ نظم و انضباط در نیروهای مسلح ضروری است که در رسیدگی به جرایم، سرعت و قاطعیت نشان داده شود تا از بروز بی‌نظمی و افزایش جراب در نیروها بکاهد.

نیروهای مسلح در هر کشوری از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند. از جمله اینکه آنان دارای وظایف مهم و حساس هستند و حفظ تمامیت ارضی و استقلال و امنیت کشور به عهده آنان می‌باشد؛ چراکه امنیت کشور از اهمیت بالایی برخوردار است و همچنین اسرار مربوط به نیروهای مسلح باید حفظ شود و رسیدگی به جرایم آنان نیز سریع و قاطعانه صورت گیرد.

در دادرسی همچنان که دقت و کیفیت اجرای عدالت مهم است، سرعت در تحقق آن نیز اهمیت بسیاری دارد، به طوری که تاخیر نامتعارف در حل اختلاف و صدور حکم، موجب می‌شود تا حکم بی‌ارزش شود و برای افراد جامعه ضررهای مادی و معنوی به وجود آید و وقتی رسیدگی به پرونده‌ای چند سال به طول بیانجامد به طوری که قبل از صدور حکم توسط محکمه قضایی، پرونده از روال قانونی خود خارج شود و در آن صورت صدور چنین حکمی بی‌فایده است؛ چراکه موضوع دعوای مورد بحث منتهی شده است.

۲-۴. رسیدگی تخصصی و افتراقی

در نگاه اولیه شاید افتراقی شدن دادرسی، اختصاصی شدن دادگاه‌ها را به ذهن متبادر می‌سازد و لذا با برچسب تعارض با حقوق و آزادی‌های بشر مواجه می‌شود. حال آنکه افتراقی شدن همچنان که از نام آن برمی‌آید، ناظر به تشدت و تفرق و جزیره‌ای شدن آیین دادرسی است. از این رو به اعتبار نوع جرم ارتكابی مثل تخصصی و فنی بودن یا خطرناکی آن مانند قواعد خاص رسیدگی ناظر به جرایم رایانه‌ای که باعث طرح قواعد خاص دادرسی به موازات فرآیند عام دادرسی خواهد شد. افتراقی شدن دادرسی کیفری به رغم اینکه یک ضرورت غیرقابل اجتناب برای افزایش کارایی سیاست جنایی است، می‌تواند دستاویزی برای نقض حقوق بشر و سوء استفاده حاکمیت نیز قرار گیرد (پاک‌نیت، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

دادرسی نظامی، یکی از دادرسی‌های اختصاصی چهارگانه در نظام حقوقی ایران می‌باشد که در مقایسه با سایر دادرسی‌های افتراقی از پیشینه و سابقه بیشتری برخوردار بوده و یکی از نمونه‌های بارز دادرسی افتراقی در نظام حقوقی ایران و سایر کشورهای جهان می‌باشد. به جرأت می‌توان ادعا نمود که اولین مصداقی که از عنوان دادرسی اختصاصی یا افتراقی در ذهن پدیدار می‌گردد،

دادرسی نظامی بوده و بقیه در رده‌های بعدی این عنوان قرار می‌گیرند (کرامتی معز و حسن آبادی، ۱۴۰۰: ۹۴).

تخصصی نمودن رسیدگی‌ها فواید متعددی دارد که مهم‌ترین فایده آن کاهش اشتباهات قضایی ناشی از عدم آگاهی قضات از قوانین، تسریع در روند رسیدگی و احقاق حقوق متهم و رسیدن به دادرسی منصفانه می‌باشد. چنانچه روندی که تاکنون پیش گرفته شده است، ادامه یابد تخصصی شدن دادرسی‌ها و دادگاه‌های کیفری در تمامی حوزه‌های قضایی و جرایم گوناگون گسترده خواهد شد (عسکری، ۱۳۹۶: ۶۱).

هرچند تخصصی بودن رسیدگی امری غیر از اختصاصی بودن آن می‌باشد و این دو عنوان دارای تفاوت‌های زیادی می‌باشند، اما شاید بتوان یکی از دلایلی که به عنوان فلسفه و چرایی اختصاصی بودن دادرسی نظامی مطرح نمود؛ تخصصی نمودن رسیدگی می‌باشد. به این معنی که رسیدگی به جرایم نظامی نیز همانند سایر جرایم نیازمند به تخصص و آگاهی در امور نظامی می‌باشد. هر فردی قادر به شناخت ریزه کاری‌ها و تمامی ابعاد جرم نظامی نخواهد بود و لازم است قضاوت در این خصوص را یا به شخص نظامی داد و یا از کارشناسان دادگستری در امور نظامی استفاده نمود و یا چنانچه قرار است قاضی عمومی به این قبیل پرونده‌ها رسیدگی نماید در این امر تخصص یابد. پس به طور کلی و خلاصه می‌توان گفت که یکی از علل و عوامل اصلی افتراقی بودن دادرسی نظامی دارا بودن ماهیت خاص و تخصصی بودن رسیدگی می‌باشد که زمینه را به منظور رسیدگی هرچه بهتر و سریع‌تر به پرونده‌های متهمین با ضریب خطای کمتر و دانش بیشتر فراهم می‌نماید (عطاریا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

دارا بودن ماهیت خاص، سرعت در رسیدگی، لزوم داشتن دانش و تجربه نظامی، حفظ کرامت و شئون شغلی و لزوم حفظ اسرار و اطلاعات نظامی و محرمانه بودن را می‌توان به عنوان علل و عوامل اصلی افتراقی بودن دادرسی نظامی دانست که منجر به سیاست کیفری سخت‌گیرانه در این زمینه شده است (کرامتی معز و حسن آبادی، ۱۴۰۰: ۹۴).

این نکته حائز توجه است که فناوری خصوصاً در حوزه رایانه و فضای مجازی به صورت روزآمد در حال دگردیسی می‌باشند؛ بنابراین هماهنگ‌سازی قواعد و اصول قانونی با چنین سرعت تغییری، نیازمند بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر نسبت به سایر حوزه‌ها را طلب می‌نماید (رضوی اصل و دارابی، ۱۳۹۸: ۱۲۵). از طرفی کسانی باید به جرایم آنان رسیدگی کنند که به اصول و قواعد و روابط حاکم در داخل نیروهای مسلح آشنایی کافی داشته باشند. لذا این ویژگی‌های خاص، قانون‌گذار را بر آن داشته تا مرجع خاصی را تحت عنوان «سازمان قضایی نیروهای مسلح» که متشکل از دادرسی و دادگاه‌های نظامی است، برای رسیدگی به جرایم اعضای نیروهای مسلح پیش‌بینی کنند.

۳-۴. تضمین حقوق شهروندی

قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳، دارای جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشد. اگر دچار تغییرات کلی و جدی شود و با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی حضور در آن، با استفاده از تجارب حرفه‌ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم، مؤثر باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آیین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال «اصل تفسیر مضیق به نفع متهم»، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه‌دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت‌ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به عنوان موکل خود و ضرورت تهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است. تغییر در صلاحیت نهاد دادستانی و بخش‌های تابعه، تدقیق شرح وظایف و اختیارات دادستان و بازپرس، تخصیص ضمانت‌های ناشی از مسؤولیت انتظامی و قانونی آنها، حذف عملی قاضی تحقیق و قاضی تحکیم و مسؤولیت‌های رئیس حوزه قضایی و انتقال آن به دادستان و بازپرس نظام‌مند کردن وظایف و مسؤولیت‌های قانونی دادستان و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری، تقسیم‌بندی دادگاه‌های کیفری و تخصیص صلاحیت آنها. تغییر در نظام صدور قرارهای تأمین قانونی و تخصص قرارهای نظارت قضایی، پیش‌بینی تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس اطفال، تخصص حق ملاقات متهم با خانواده و وکیل خویش، پیش‌بینی حق جبران خسارت و ضرر و زیان مادی و معنوی، لزوم تشکل پرونده‌های شخصیتهای برای متهمان و نیز اطفال و نوجوانان متهم، پیش‌بینی نظام دادرسی کیفری الکترونیکی، تقویت نقش و جایگاه وکیل مدافع در حقوق متهم و تقویت دادرسی عادلانه و مانند آنها و نیز تلاش برای منطبق ساختن نظام دادرسی کیفری با اصول نظام دادرسی عادلانه مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری مربوطه، در راستای «اصل احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشری» به عنوان یکی از قواعد شناخته شده در حقوق بین‌الملل و در نتیجه، پررنگ ساختن رویکرد حقوق بشری بدان و نیز گرایش به سیستم دادرسی و رسیدگی مختلط در عمل دارد.



بحث و نتیجه‌گیری

حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که در انواع دعاوی، نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. شناسایی این اصول لازمه اجرای عدالت و اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون است و همچنین با اصل تفکیک قوا استقلال قوه قضاییه و حاکمیت قانون ارتباط دارد. اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی از دیرباز کم و بیش در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است، اما در پی گسترش حقوق بشر و تأکید بر ارتقاء و تضمین انواع حقوق بشر پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری مورد تأکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد گردیدند اجرای آن را تضمین نمایند.

در این پژوهش تلاش شده است با درک تغییرات مورد اشاره، به ویژه در حوزه آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلح، ادبیات خاص این تغییر، بیان گردیده و سیمایی کلی از رویکردهای قانون‌گذاری در ایران در خصوص بعد شکلی جرایم رایانه‌ای ارائه گردد؛ زیرا که طبع خاص جرایم رایانه‌ای نیروهای مسلح، آیین دادرسی مخصوص به خود را می‌طلبد. لذا دادرسی نظامی یکی از دادرسی‌های اختصاصی در نظام حقوقی ایران می‌باشد که در مقایسه با سایر دادرسی‌های افتراقی از پیشینه و سابقه بیشتری برخوردار است. حق دادرسی منصفانه یکی از حقوق بنیادین بشر است که در بسیاری از اسناد حقوق بشر به آن اشاره شده است. رعایت این حق، صحت و کارایی و سلامت سیستم قضایی و دادگستری یک کشور را تضمین می‌کند. زمانی که این حق مورد نقض قرار بگیرد، افراد بی‌گناه در معرض محکومیت و مجازات قرار می‌گیرند و دستگاه قضایی اعتبار خود را از دست می‌دهد. به نظر می‌رسد حق دسترسی به وکیل یک رکن اساسی برای برقراری محاکمه عادلانه است، حق دادرسی شامل چندین حق فرعی می‌باشد که از آن نشأت گرفته است. حقوقی را در زیر مجموعه حق دادرسی می‌کند، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود: الف) حقوق قبل از دادرسی؛ ب) حقوق در خلال دادرسی، با توجه به تازگی قانون آیین دادرسی کیفری که دادرسی نیروهای مسلح نیز بخشی از آن است، قانون مذکور به رویکردهای نوینی از قبیل اصول دادرسی منصفانه و جنبه‌های مثبت و منفی این قانون اشاره دارد که در گذشته به آن اشاره نشده است.

منابع

- آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه)، با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران. چاپ اول. جنگل.
- اسدیان، احمد؛ سالاریان، جهانبخش. (۱۳۹۷). دادرسی عادلانه و اصول حاکم بر آن در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی با تمرکز بر تعذیرات حکومتی. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۸(۵)، ۱۹-۴۳.
- https://criticalstudy.ihs.ac.ir/article_3601.html
- اسماعیلی کریزی، علی؛ احمدی، حسین؛ کاظمی گلوردی، محمدرضا. (۱۴۰۰). پیشگیری از جرایم خاص نظامی و انتظامی در سیاست جنایی ایران. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۶(۵۹)، ۲۰۷-۱۹۱.
- http://cps.jrl.police.ir/article_96611.html
- پاک‌نیت، مصطفی. (۱۳۹۳). مبانی و آثار افتراقی شدن دادرسی کیفری. رساله دکتری. دانشگاه شهید بهشتی.
- پیراسته، مرتضی. (۱۳۹۶). بررسی نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تحقق دولت اسلامی مبتنی بر بیانات مقامات معظم رهبری. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۴(۴۰)، ۹۳-۱۲۹.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=312510>
- جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۹۵). درآمدی بر آیین دادرسی جرایم سایبری. چاپ دوم. خرسندی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). ترمینولوژی حقوق. چاپ سی‌ام. گنج دانش.
- دیلمی معزی، نوید؛ اسماعیلی، مهدی؛ حاجی تبارفیروزجائی، حسن. (۱۴۰۰). چالش‌های فراروی سیاست جنایی اجرایی ایران در قبال جرایم رایانه‌ای در پرتو رویه اتحادیه اروپا. کارآگاه، ۱۶(۵۸)، ۱۲۲-۹۷.
- http://det.jrl.police.ir/article_98176.html
- رضوی اصل، محمدجعفر؛ دارابی، شهرداد. (۱۳۹۸). دشوارسازی ارتکاب جرایم رایانه‌ای در قوانین دادرسی الکترونیکی و آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۴(۵۱)، ۱۴۶-۱۲۵.
- http://cps.jrl.police.ir/article_92213.html
- زمان‌زاده بهبهانی، رهامی، محسن؛ ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۹). نقض دادرسی عادلانه و ضمانت اجرا کیفری آن از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۳(۴۹)، ۹۱-۷۱.
- http://alr.iauctb.ac.ir/article_677987.html
- زندی، محمدرضا. (۱۳۸۹). تحقیقات مقدماتی در جرایم سایبری. چاپ اول. جنگل.
- عسکری، غلامحسین. (۱۳۹۶). دادرسی‌های اختصاصی کیفری. چاپ دوم. خرسندی.
- عبدی‌پور کشاورز، مهدی؛ انصاری، عباسقلی؛ ششگل، حمید. (۱۳۹۹). هستی‌شناسی جرایم رایانه‌ای با توجه به قانون جرایم رایانه‌ای. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۳(۴۷)، ۱۶۸-۱۴۹.
- http://alr.iauctb.ac.ir/article_671461.html
- عطارنیا، حامد؛ گل‌دوست جویباری، رجب؛ اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۶). تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۰(۳۷)، ۲۴۰-۲۰۵.
- http://alr.iauctb.ac.ir/article_536456.html

- فضائلی، مصطفی. (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). عدالت و حقوق بشر. حقوق، ۳۷(۳)، ۳۳۱-۳۲۱.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=69011>
- کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). بزهدیده شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی. چاپ اول. دادگستر.
- کرامتی معز، هادی؛ حسن آبادی، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). سیاست کیفری سخت‌گیرانه در آیین دادرسی کیفری ایران. چاپ دوم. مهر کلام.
- محسنی، حسن (۱۳۸۹). اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و اصول دادرسی. شرکت سهامی انتشار.
- مرادی، قاسم. (۱۳۹۷). اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه. جستارهای حقوق عمومی، ۲(۴)، ۴۵-۳۱.
- <https://www.noormags.ir/view/ar/articlepage/91743/31/text>
- نظرپور، مهدی. (۱۳۸۶). جایگاه نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی ایران. حصون، ۱۱(۸۶)، ۱۶۲-۱۳۶.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/378323>
- نوریان، علیرضا. (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری جرایم رایانه‌ای و مخابراتی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.